

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۸۴

بررسی مزیت نسبی و شاخصهای حمایتی گوشت قرمز

علیرضا جیران*، دکتر رامتین جولایی*

چکیده

گوشت قرمز چه از جنبه تأمین پروتئین مورد نیاز و امنیت غذایی جمعیت رو به رشد کشور و چه از جنبه سهم آن در ارزش افزوده بخش کشاورزی، جایگاه ویژه ای دارد. مداخله دولت در فرایند تولید، مصرف، بازاریابی و تجارت به صورت مستقیم و غیرمستقیم قیمت این محصول را تحت تأثیر قرار داده، اما سودآوری (بازاری) مناسب تولید این محصول انگیزه کافی برای فعالیت و سرمایه گذاری در این بخش را ایجاد کرده است. این نکته را نیز باید گفت که مداخله دولت در بازار و حاکم شدن قیمتها و هزینه های غیر واقعی در بازار محصول و نهاده، ارزیابی اقتصادی تولید این محصول را دچار انحراف کرده است.

* به ترتیب کارشناس ارشد گروه پژوهشی سیاستهای حمایتی مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی و

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

e-mail: a_jyran@yahoo.com e-mail: r_joolaie@yahoo.com

در این مطالعه قیمت‌ها و درآمدهای بازاری هر محصول و تأثیر مداخلات دولت (یارانه های پرداختی و مالیات‌های دریافتی دولت) در تولید گوشت قرمز (گوشت گوسفند و گوشت گاو و گوساله) با استفاده از ماتریس تحلیل سیاستی برای سال ۱۳۸۲ بررسی شده است. همچنین با حذف نقش مداخلات دولت، سودآوری هر محصول یا همان سودآوری اجتماعی، بر اساس قیمت‌های حقیقی محاسبه گردیده است. باید گفت که مزیت نسبی پایه و اساس برنامه‌ریزی اقتصادی برای تخصیص کارا تر منابع به شمار می‌آید، ولی مزیت نسبی یک محصول لزوماً امتیازی پایدار نیست و در طول زمان و با تغییرات ایجاد شده در فرایند مدیریت مزرعه، فناوری جدید، روش‌های تولید، بهره‌وری، قیمت‌های جهانی، نرخ ارز و... تعدیل می‌شود. از این رو در مطالعه حاضر با تحلیل حساسیت متغیرهای اصلی مانند قیمت جهانی، نرخ ارز و ضریب تبدیل علوفه به وزن دام، تأثیر آنها در شاخص‌های حمایتی و مزیت نسبی بررسی شده است.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که کشور در تولید هر دو محصول (گوشت گوسفند و گوشت گاو و گوساله) مزیت نسبی دارد و تولید گوشت گوسفند نسبت به گوشت گاو اقتصادی تر است و عواید اجتماعی بیشتری نیز نصیب جامعه می‌کند. همچنین تحلیل حساسیت شاخص‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که در تولید گوشت گاو و گوساله این شاخصها نسبت به تغییرات نرخ ارز، قیمت جهانی و ضریب تبدیل حساسیت بیشتری دارند و برای حفظ شرایط فعلی باید نسبت به کاهش هزینه های تولید و افزایش بهره‌وری اقدام کرد.

کلید واژه ها:

مزیت نسبی، گوشت قرمز، ضریب تبدیل، ضریب حمایت

مقدمه

امروزه آزادسازی از ارکان سیاست‌های نوین اقتصادی به شمار می‌آید. بر این اساس دخالت‌های دولت در زمینه های تولید، توزیع، قیمت‌گذاری و تجارت کاهش یافته و محدودیتهای موجود برای

بررسی مزیت نسبی ...

تجارت کالا در قالب تعرفه‌ها شفافتر شده است. مسئله آزاد سازی و تأثیرات آن در بخش کشاورزی نه تنها تولیدکنندگان این بخش، بلکه مصرف‌کنندگان آن و حتی مصرف‌کنندگان دیگر بخشهای اقتصادی را هم تحت تأثیر قرار داده است.

دولت به منظور پشتیبانی از کشاورزی و افزایش میزان تولید، حمایت‌های گوناگونی در قالب تأمین و توزیع نهاده‌ها، خرید تضمینی، تنظیم بازار، پرداخت تسهیلات، اعطای یارانه و زمینه‌های مرتبط انجام داده است. در سایه این حمایتها، رشد معقولی در تولیدات این بخش ایجاد شده است. آنجا که مداخلات دولت تأثیرات اجتناب‌ناپذیری در قیمت تمام شده و هزینه واقعی تولید در تمام مراحل تولید یک محصول بر جا می‌گذارد، لذا سیاستگذاران اقتصادی در مورد قیمت‌ها و هزینه‌های واقعی محصولات تولیدی دچار مشکل می‌شوند. از سوی دیگر، حاکم شدن قیمت‌ها و هزینه‌های غیرواقعی در بازار محصول و نهاده ارزیابی اقتصادی تولید این محصولات را دچار انحراف می‌کند. به منظور تشخیص میزان این انحرافها و ارزیابی اقتصادی تولید محصولات مختلف معمولاً از روشی به نام «ماتریس تحلیل سیاستی»^۱ استفاده می‌شود. در این مطالعه نیز دو محصول عمده دامی (گوشت گوسفند و گوشت گاو و گوساله) با این روش ارزیابی شده است.

تولید یک محصول بر اساس هدفهای مختلف صورت می‌گیرد. در سطح خرد هدف تولیدکنندگان حداکثر سازی سود بازاری است، در حالی که در سطح کلان سیاستگذاران درصدد حداکثر سازی منافع و سود اجتماعی، یا افزایش ضریب خودکفایی محصولند. این هدفها ممکن است در سطح خرد و کلان با یکدیگر منطبق نباشند. سودآوری بازاری حاوی یارانه‌ها و مالیاتهای پنهان و آشکار است، انحراف دارد و مبنای مناسبی برای تعیین مزیت نسبی تولید و یا سیاستگذاری محصول به شمار نمی‌آید. براساس مبانی اقتصادی و از دیدگاه کلان، در تولید یک محصول باید حداکثر سازی سود اجتماعی و استفاده بهینه از منابع داخلی مورد توجه قرار گیرد. اما حداکثر سود اجتماعی در تولید یک محصول زمانی تحقق می‌یابد که آن محصول از مزیت نسبی بالایی برخوردار

1. policy analysis matrix (PAM)

باشد. لذا بررسی مزیت نسبی محصولات مختلف این امکان را به سیاستگذار می‌دهد که با طراحی و ارائه الگوی مناسب، تولیدکنندگان را به سمت تولید محصولی با حداکثر سودآوری اجتماعی هدایت کند.

در این مطالعه تلاش شده است ضمن بررسی مزیت نسبی و شاخصهای حمایتی دو محصول (گوشت گوسفند و گوشت گاو و گوساله)، انواع حمایتهای دولت (یارانه های پرداختی و مالیاتهای ضمنی) به صورت کمی برآورد و منافع حاصل از هر یک از فعالیتهای تولیدی به تفکیک سودآوری اجتماعی و بازاری ارائه شود. همچنین کوشش شده است با استفاده از تحلیل حساسیت هر یک از شاخصهای حمایتی، امکان شناسایی ساز و کارهای مناسب جهت افزایش مزیت نسبی فراهم و راهکارهای مناسب سیاستگذاری ارائه شود.

مروری بر مطالعات انجام شده

سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (FAO) در سال ۲۰۰۱ در یک طرح تحقیقاتی تحت عنوان "مزیت نسبی و رقابت پذیری محصولات عمده زراعی مصر" به محاسبه مزیت نسبی محصولات زراعی این کشور از طریق شاخص DRC و ماتریس تحلیل سیاستی پرداخت. نتیجه این طرح تحقیقاتی حکایت از وجود مزیت نسبی در محصولات گندم، پنبه، نیشکر، چغندر فند، سیب زمینی تابستانه و گوجه فرنگی زمستانه دارد. همین مطالعه نبود مزیت نسبی مصر در تولید محصولات ذرت دانه ای، ذرت علوفه ای و برنج را نشان می‌دهد (Anonymous, 2001).

در مطالعه ای دیگر در هند، از روش ماتریس تحلیل سیاستی (PAM) برای تعیین کارایی تولید پنبه در ۵ ایالت اصلی تولید این محصول استفاده شد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که دومین استان بزرگ تولیدکننده پنبه هند، در تولید این محصول کارایی ندارد. لذا به نظر می‌رسد که بدون مداخله دولت در این ایالت، سطح زیر کشت این محصول به محصولات سودآورتر مانند نیشکر و بادام زمینی تخصیص یابد. همچنین در چهار ایالت دیگر هم تولید پنبه بیشترین کارایی را ندارد،

بررسی مزیت نسبی ...

هرچند حداقل یک محصول در هر ایالت وجود دارد که کارایی کمتری از پنبه دارد. نتایج این تحقیق در مجموع نشان داد که سیاستهای هند در زمینه تهیه پنبه ارزان برای صنایع دستی و بخش نساجی ناکارایی بزرگی را به بخش تولید پنبه تحمیل می کند (Mohanty & et al., 2002).

مطالعه‌ای که در چین براساس ماتریس تحلیل سیاستی انجام گرفت نشان داد که در دهه گذشته الگوی زراعی محصولات به طور معناداری تغییر کرده است و با افزایش درآمد کشت برنج و گندم (غذاهای اصلی)، این دو محصول جایگزین سیب زمینی شیرین، ذرت دانه ای و سایر غلات، که عمدتاً غذای دام محسوب می شوند، شده اند. هدف از این مطالعه تعیین تغییر الگوی کشت تولید سیب‌زمینی شیرین و بررسی کارایی جایگزینی این محصول به جای ذرت دانه‌ای برای تغذیه در پرورش خوک بوده است. برای دستیابی به این هدف بررسیها در سه سطح ملی و منطقه‌ای و مزرعه انجام گرفت. این مطالعه وجود تغییرات معنادار در تولید سیب زمینی شیرین را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که اختلاف بزرگی بین سودآوری بازاری و اجتماعی تولید سیب زمینی شیرین وجود دارد. به علاوه چنانچه سیاستهای دخالتی دولت برداشته شود، تولید سیب زمینی شیرین سودآورتر می‌شود. همچنین نرخ حمایت اسمی از این محصول نشان‌دهنده آن است که سیاستهای مالیاتی در مورد سیب زمینی شیرین و ذرت دانه‌ای اعمال شده است. در این مطالعه نتایج هزینه منابع داخلی (DRC) نیز نشان داد که این شاخص برای هر دو محصول پیشگفته بسیار نزدیک به هم است. این نزدیکی بدین معناست که در شرایط آزاد سازی تجاری، جایگزینی زیادی بین سیب زمینی شیرین و ذرت دانه ای برای تغذیه دام ایجاد نمی‌شود. از دیگر نکات این مطالعه آن است که سودآوری اجتماعی تولید سیب زمینی شیرین حداقل برابر یا بیشتر از ذرت دانه‌ای در دو استان شان‌دونگ و سی‌چوان بوده است. بنابراین افزایش سرمایه‌گذاری در توسعه و تحقیقات سیب زمینی شیرین و برداشتن سیاستهای جاری در تحقق یافتن حداقل پتانسیل تولید سیب زمینی شیرین نقش اساسی داشته است (Huang & et al., 2003).

در ایران نیز پژوهشگران متعددی در خصوص تعیین مزیت نسبی و سودآوری اجتماعی و ماتریس تحلیل سیاستی مطالعه کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

دهقانی در یک طرح تحقیقاتی به بررسی مزیت نسبی محصولات کشاورزی (باغی و زراعی) پرداخت. محصولات مورد مطالعه وی عبارت بودند از: انار، کشمش، بادام، پسته، چای، خرما، سیب، گردو، گلابی، پرتقال، گندم، پنبه، پیاز، سیب زمینی، گوجه فرنگی، چغندر قند، نخود، برنج. نتایج این تحقیق نشان داد که بر اساس شاخص DRC با نرخ سایه‌ای ارز، ۷ محصول انار، گندم، پیاز، سیب زمینی، سیب درختی، پرتقال، گردو مزیت نسبی دارند (دهقانی، ۱۳۷۹).

قنبری در بررسی اقتصادی تولید کیوی و مزیت نسبی آن با استفاده از شاخص DRC، مزیت نسبی ایران را در تولید کیوی مورد تأیید قرار داده است (قنبری، ۱۳۸۱).

جولایی در مطالعه‌ای به منظور تعیین الگوی بهینه کشت محصولات زراعی سه شهرستان مرکزی استان فارس بر اساس معیارهای سودآوری اجتماعی و مزیت نسبی و ماتریس تحلیل سیاستی، ۱۶ محصول زراعی (گندم آبی و دیم، جو آبی و دیم، نخود آبی و دیم، ذرت دانه‌ای، آفتابگردان، پنبه، چغندر قند، پیاز، سیب زمینی، لوبیا قرمز، عدس آبی و دیم، شلتوک) را در سه شهرستان مذکور محاسبه کرد. نتایج این تحقیق نشان داد که چغندر قند در هر سه شهرستان بدون مزیت نسبی است و عدس دیم در شهرستان شیراز و لوبیا قرمز و عدس دیم در شهرستان سپیدان مزیت نسبی ندارد (جولایی، ۱۳۸۳).

موسایی در مطالعه‌ای در استانهای گلستان و مازندران به محاسبه مزیت نسبی و ماتریس تحلیل سیاستی محصول کلزا پرداخت که نتایج این مطالعه وجود مزیت نسبی برای تولید کلزا در این استانها را نشان می‌دهد (موسایی، ۱۳۸۲).

اهداف تحقیق

۱. بررسی مزیت نسبی تولید گوشت قرمز (گوشت گوسفند و گوشت گاو و گوساله) در کشور
۲. تعیین میزان حمایت نهاده‌ای و درآمدی در تولید گوشت قرمز
۳. تعیین برابند حمایت نهاده‌ای و درآمدی از تولیدکنندگان گوشت قرمز

روش شناسی تحقیق

روش این مطالعه بر ماتریس تحلیل سیاستی مبتنی است. این روش یکی از جامع‌ترین و کاربردی‌ترین روشهای تحلیل سیاستی و محاسبه مزیت نسبی به شمار می‌آید. شاخصهای محاسبه‌کننده رقابت‌پذیری و مزیت نسبی متفاوت و متعدد است و هر یک بخشی از موضوع را تحت پوشش قرار می‌دهد. از جمله این شاخصها می‌توان به ¹DRC ، ²NPC ، ³EPC ، ⁴RCA اشاره کرد. محققان در تلاش برای یافتن روشی که تمام ابعاد موضوع مزیت نسبی را پوشش دهد، روش ماتریس تحلیل سیاستی را ابداع کردند (Monke and Pearson, 1989). در اینجا قبل از تشریح روش ماتریس تحلیل سیاستی، به تعریف برخی مفاهیم مورد نظر این مطالعه می‌پردازیم.

1. سود آوری بازاری: سود آوری بازاری عبارت از تفاضل هزینه‌ها و درآمدهای تولید یک محصول براساس قیمت‌های بازاری است. این سود آوری در واقع تفاوت مبالغ دریافتی یا پرداختی کشاورزان را نشان می‌دهد. قیمت‌های بازاری شامل کلیه دخالت‌ها و سیاست‌های دولت و کاستیهای بازار است. سود آوری بازاری نیز نشان‌دهنده رقابت‌پذیری نظام کشاورزی بر پایه فناوری، ارزش ستانده، هزینه نهاده و تأثیر سیاستها (یارانه‌ها و مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم) در شرایط کنونی است. مقادیر درآمدها و هزینه‌ها و سود بر پایه قیمت‌های بازاری، سطر اول ماتریس تحلیل سیاستی را تشکیل می‌دهند.

1. domestic resource cost
2. nominal protection coefficient
3. effective protection coefficient
4. revealed comparative advantage
5. private profitability

5. ترجمه این اصطلاح به "سود آوری شخصی و یا فردی"، این الزام را به وجود می‌آورد که اصطلاح "Private Price" در صفحه بعد نیز به "قیمتهای شخصی یا فردی" ترجمه گردد. از آنجا که قیمت‌های شخصی مفهوم مورد نظر را به ذهن متبادر نمی‌کند، لذا این دو مفهوم به سود آوری بازاری و قیمت‌های بازاری ترجمه شده است. در این حالت اصطلاح سود آوری بازاری نشان می‌دهد که این سود آوری براساس قیمت‌های بازاری محاسبه گردیده است.

۲. سودآوری اجتماعی^۱: این سودآوری مزیت نسبی یا کارایی را در نظام کشاورزی نشان می‌دهد. سودآوری اجتماعی در واقع یک شاخص کارایی است، زیرا ستانده‌ها و نهاده‌ها بر اساس کمیابی‌شان یا بر اساس هزینه فرصتشان محاسبه می‌شوند.

۳. قیمت‌های بازاری^۲: قیمت‌هایی است که در بازار داخلی تعیین می‌شود و متأثر از سیاست‌ها و دخالت‌های دولت و یا ناکارآمدی بازار است. این قیمت‌ها، قیمت‌هایی است که درآمدها و هزینه‌های کشاورزان بر مبنای آن دریافت یا پرداخت می‌شود و نام دیگرشان قیمت‌های واقعی^۳ است.

۴. قیمت‌های اجتماعی^۴: قیمت‌هایی است که بر پایه هزینه فرصت اجتماعی هر کالا یا کمیابی آن کالا تعیین می‌شود. این قیمت‌ها مجازی است و در بازار واقعی رعایت نمی‌شود. اسامی دیگر این قیمت، قیمت سایه‌ای^۵ و قیمت اقتصادی^۶ و قیمت حقیقی^۷ است.

ماتریس تحلیل سیاستی

ماتریس تحلیل سیاستی، ابزاری جامع برای محاسبه مزیت نسبی و شاخص‌های حمایتی و شکل کلی آن مانند جدول ۱ است.

جدول ۱. ماتریس تحلیل سیاستی

درآمد	هزینه‌ها		سود	مبنای محاسبه
	نهاده‌های قابل تجارت	عوامل داخلی		
A	B	C	D	برحسب قیمت بازاری
E	F	G	H	برحسب قیمت سایه‌ای
I	J	K	L	اختلاف

عناصر تشکیل دهنده این ماتریس عبارت است از: A درآمد حاصل از یک واحد محصول

برحسب قیمت بازار؛ B هزینه نهاده‌های قابل تجارت بر حسب قیمت بازاری برای تولید یک واحد

1. social profitability
2. private price
8. actual price
1. social price
2. shadow price
3. economic price
4. real price

بررسی مزیت نسبی ...

محصول؛ C ماتریس هزینه واحد عوامل تولید داخلی برحسب قیمت بازاری؛ G.F.E همان ماتریسهای بالاتر برحسب قیمت سایه ای؛ D سود بازاری برحسب قیمت بازاری. سود بازاری از تفاوت بین درآمدها (A) و هزینه ها (B+C) به دست می آید:

$$D=A-(B+C)$$

همچنین در ماتریس (H, H=E-(F+G) سود اجتماعی است که اثر بازده اقتصادی را زمانی نشان می دهد که محصول و عوامل تولید و نهاده ها بر حسب هزینه فرصت مناسب خود اندازه گیری می شوند. در این ماتریس:

الف) اگر $H > 0$ باشد، سودآوری اجتماعی مثبت است و نظام تولیدی از منابع استفاده کارا می کند و تولید محصول در شرایط تجارت آزاد برای کشور سودآور است.

ب) اگر $H < 0$ باشد، سودآوری اجتماعی منفی است و نظام تولید از منابع استفاده ناکارا می کند و درآمد ملی را هدر می دهد. در این حالت تولیدکننده از فعالیت خود در شرایط تجارت آزاد متضرر می شود.

معرفی شاخصهای تحلیل سیاستی

۱. ضریب هزینه منابع داخلی^۱ (DRC)

در سیستم تحلیل سیاستی، DRC به صورت نسبت هزینه منابع داخلی به کاررفته در تولید محصولات خاص برحسب قیمت سایه ای به تفاوت بین درآمد و هزینه نهاده های قابل تجارت برحسب قیمت سایه ای (یا جریان خالص ارزی) محاسبه می شود:

$$DRC = \frac{G}{E - F}$$

در این رابطه G هزینه عوامل تولید داخلی بر حسب قیمت سایه ای؛ E درآمد حاصل بر حسب قیمت های سایه ای و F هزینه نهاده های قابل تجارت بر حسب قیمت سایه ای است.

اگر $DRC < 1$ باشد، کشور در تولید کالای مورد مطالعه مزیت نسبی دارد و اگر $DRC > 1$ باشد، کشور در تولید کالای مورد مطالعه بدون مزیت نسبی است.

1. domestic resource cost

۲. ضریب حمایت اسمی بر محصول^۱ (NPC)

با این شاخص تأثیر سیاستهای دولت بر درآمد تولیدکننده محصول مورد نظر از طریق معادله زیر قابل محاسبه است:

$$NPC = \frac{A}{E} = \frac{\text{درآمدها بر حسب قیمت بازاری}}{\text{درآمدها بر حسب قیمت سایه ای}}$$

اگر $NPC > 1$ باشد، قیمت بازاری بزرگتر از قیمت سایه ای است؛ یعنی به تولید محصول مورد نظر یارانه تعلق گرفته است. اما اگر $NPC < 1$ باشد، قیمت بازاری محصول کوچکتر از قیمت سایه ای است؛ یعنی از تولید محصول مورد نظر مالیات ضمنی گرفته شده است. در این حالت درآمدهای به دست آمده کمتر از هنگامی است که محصول به صورت آزاد و بدون مداخله دولت مبادله می شود.

۳. ضریب حمایت اسمی نهاد^۲ (NPCI)

این شاخص تأثیر سیاستهای دولت در زمینه نهاد های به کار رفته و تولید کالای مورد مطالعه را به طریق زیر مورد سنجش قرار می دهد.

$$NPCI = \frac{B}{F} = \frac{\text{نهاد های قابل تجارت بر حسب قیمت بازاری}}{\text{نهاد های قابل تجارت بر حسب قیمت سایه ای}}$$

اگر $NPCI < 1$ باشد، دولت به نهاد مورد استفاده در تولید یارانه پرداخت می کند. اما اگر $NPCI > 1$ باشد، دولت بر نهاد های مورد استفاده در تولید محصول، مالیات غیر مستقیم وضع می کند.

۴. ضریب حمایت مؤثر^۳ (EPC)

این ضریب برآیند مداخلات دولت در بازار نهاد ها و بازار محصول را توأمأ محاسبه می کند:

1. nominal protection coefficient
1. nominal protection coefficient of input
3. effective protection coefficient

بررسی مزیت نسبی ...

$$EPC = \frac{A-B}{E-F} = \frac{\text{ارزش افزوده بر حسب قیمت بازاری}}{\text{ارزش افزوده بر حسب قیمت سایه‌ای}}$$

یا

هزینه نهاده‌های قابل تجارت بر حسب قیمت بازاری - درآمد حاصل از یک واحد محصول به قیمت بازاری

هزینه نهاده‌های قابل تجارت بر حسب قیمت سایه‌ای - درآمد حاصل از یک واحد محصول به قیمت سایه‌ای

اگر $EPC > 1$ باشد، دولت از محصول مورد نظر حمایت کرده و برآیند تأثیرگذاری دخالت‌های دولت در قیمت محصول و نهاده‌ها به سود تولیدکننده بوده است. اما اگر $EPC < 1$ باشد، دولت از تولیدکننده مالیات ضمنی دریافت کرده و برآیند دخالت‌های دولت در بازار محصول و نهاده به زیان تولیدکننده بوده است. با به دست آوردن ضرایب حمایتی می‌توان نرخ‌های حمایتی را به صورت درصد بیان کرد:

$$(NPC - 1) \times 100 = NPR$$

$$(1 - NPCI) \times 100 = NPIR$$

$$(EPC - 1) \times 100 = EPR$$

روش محاسبه قیمت‌های اجتماعی (سایه‌ای)

۱. محاسبه قیمت سایه‌ای محصولات تولیدی

قیمت‌های جهانی اساس محاسبه ارزش‌گذاری اجتماعی و تحلیل کارایی در نظام کشاورزی است. برای محصولات تولیدی مبنای ارزش‌گذاری اجتماعی آنها قیمت‌های جهانی است. قیمت اجتماعی یک کالای کشاورزی قیمت سرمرز آن کالا است که عرضه‌کنندگان خارجی با استفاده از آن، کالای مورد نظر را به بازار داخلی تحویل می‌دهند؛ یا قیمتی است که مصرف‌کنندگان خارجی به عرضه‌کنندگان داخلی می‌پردازند. این قیمت‌ها هزینه فرصت آن کالا نیز محسوب می‌شود. از آنجا که محصولات ممکن است وارداتی یا صادراتی باشند، نحوه محاسبه قیمت‌های سایه‌ای آنها نیز متفاوت خواهد بود.

الف) محصولات وارداتی: قیمت سایه‌ای این محصولات، قیمت CIF آنها در سر مرز ایران به اضافه کلیه هزینه‌های انتقال آنها از سر مرز تا بازار داخلی است.

ب) محصولات صادراتی: قیمت سایه‌ای این محصولات قیمت FOB آنها در سر مرز ایران منهای کلیه هزینه‌های انتقال آنها از بازار داخلی تا سر مرز است.

۲. قیمت سایه‌ای نهاده‌ها و منابع

نهاده‌ها و منابع به دو دسته قابل‌تجارت و غیرقابل‌تجارت تقسیم می‌شود. نهاده‌های قابل‌تجارت نهاده‌هایی است که بازار بین‌المللی و قابلیت‌جا به جایی دارد؛ مانند سم و کود شیمیایی و ماشین‌آلات. نهاده‌های غیر قابل‌تجارت، یا منابع داخلی، نهاده‌هایی است که قابل‌عرضه در بازارهای بین‌المللی نیست؛ مانند زمین، آب، نیروی کار.

الف) قیمت سایه‌ای نهاده‌های قابل‌تجارت: قیمت سایه‌ای نهاده‌های قابل‌تجارت قیمت سر مرز آنهاست که با استفاده از آن عرضه‌کنندگان خارجی کالا را به بازار داخلی تحویل می‌دهند. این قیمت‌ها هزینه فرصت آن نهاده نیز هست. به عبارت دیگر، قیمت سایه‌ای این نهاده‌ها قیمت CIF آنها در سر مرز ایران به اضافه کلیه هزینه‌های انتقال آنها تا بازار داخلی است.

ب) قیمت سایه‌ای منابع داخلی (غیرقابل‌تجارت): از آنجا که منابع داخلی قیمت جهانی ندارد، ملاک تعیین قیمت سایه‌ای منابع داخلی، قیمت بازاری آنها با در نظر گرفتن انحرافات بازار است. اگر این منابع دارای بازار رقابتی داخلی باشند، قیمت سایه‌ای آنها برابر قیمت داخلی آنها به اضافه کلیه انحرافات مثبت یا منفی در قیمت بازار است. چنانچه این منابع فاقد بازار رقابتی باشند (مانند آب) باید کلیه هزینه استحصال و قیمت سایه‌ای آنها محاسبه شود. البته روشهای دیگری مانند ارزش نهایی تولید یا استفاده از برنامه‌ریزی خطی نیز برای تعیین قیمت سایه‌ای به کار می‌رود.

روش محاسبه نرخ سایه‌ای ارز

بررسی مزیت نسبی ...

از آنجا که در محاسبه ماتریس تحلیل سیاستی و تبدیل قیمت‌های بین‌المللی به قیمت‌های داخلی، نرخ ارز اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، لذا برای محاسبه قیمت‌های سایه‌ای نمی‌توان از نرخ ارز رسمی استفاده کرد؛ زیرا نرخ ارز رسمی با استفاده از اهرم‌های دولت کنترل و باعث انحراف در نتایج نیز می‌شود.

در مطالعاتی که FAO در زمینه مزیت نسبی در کشورهای مصر و قزاقستان انجام داده، برای محاسبه نرخ سایه‌ای ارز از روشی استفاده می‌شود که در آن بر اساس حجم صادرات و واردات کشور و همچنین تعرفه‌های وارداتی و صادراتی، نرخ سایه‌ای ارز محاسبه می‌گردد. این رابطه به شرح زیر است:

$$CF = \frac{(M + X)}{M * (1 + T_M) + X * (1 - T_X)}$$

که در آن CF ضریب تبدیل؛ M ارزش CIF کل واردات کشور؛ X ارزش FOB کل صادرات کشور؛ T_M متوسط نرخ تعرفه برای واردات و T_X متوسط نرخ تعرفه برای صادرات است. پس از محاسبه نرخ تبدیل، نرخ سایه‌ای ارز از رابطه زیر قابل محاسبه می‌باشد:

$$SER = OER / CF$$

در این رابطه SER نرخ سایه‌ای ارز؛ OER نرخ رسمی ارز و CF ضریب تبدیل نرخ ارز است.

ساختار تولید گوشت قرمز در کشور

بعد از انقلاب اسلامی، با توجه به راهبرد حمایت از بخش کشاورزی و فراهم سازی زمینه‌های توسعه بخش کشاورزی، نرخ رشد تولیدات دامی شتاب گرفت و در طول برنامه‌های توسعه با استفاده از ابزارهای متعدد حمایتی بر سرعت این شتاب افزوده شد. در این باره واردات گوشت قرمز از حدود ۲۰۰ هزار تن در سال ۱۳۶۶ به ۱۴۹ هزار تن در سال ۱۳۷۰ کاهش یافت و با ادامه روند رو به رشد تولیدات داخلی و ایجاد محدودیت برای واردات، میزان واردات گوشت قرمز به ۳۰ هزار تن در سال ۱۳۸۰ کاهش یافت (گمرک ایران، ۱۳۶۰-۱۳۸۰). گفتنی است این میزان واردات نیز عمدتاً جهت تأمین بخشی از نیاز نیروهای مسلح و مراکز آموزشی دولتی و صنایع فراوری صورت می‌گرفت.

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

با توجه به شرایط بومشناختی و ساختار روستایی و سنتی دامداری کشور، دام سبک (گوسفند و بز) اصلی ترین منبع تأمین گوشت قرمز محسوب می شود و هنوز بخش عمده ای از مصرف کنندگان این فراورده مصرف آن را به دام سنگین ترجیح می دهند. اما در طول برنامه های توسعه، گسترش دامداریهای صنعتی و نیمه صنعتی و جایگزینی دامهای سنگین به جای دام سبک مورد توجه قرار گرفته، به طوری که هر ساله سهم تولید دام سبک در تولید شیر و گوشت قرمز روند نزولی یافته، ضمن اینکه ذائقه و سلیقه مصرف کنندگان، بخصوص در شهرهای بزرگ، نیز به مصرف گوشت گاو متمایل شده است. لذا طی یک دوره دهساله (۱۳۷۰-۱۳۸۰) سهم تولید گوشت گاو از حدود ۴۰ درصد به ۴۷ درصد افزایش یافته است (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۲). براساس جدول ۲، در مجموع، تولید گوشت قرمز طی ۲۰ سال گذشته، با رشد سالانه ۲/۸۶ درصد از ۴۳۷ هزار تن به ۷۶۸/۶ هزار تن رسیده است (همان منبع)، اما مصرف سرانه، با توجه به نرخ رشد جمعیت و میزان واردات گوشت قرمز و جایگزینی مصرف گوشت مرغ، در سالهای مختلف نوسان داشته است. در جدول ۳ روند تحول ساختار جمعیت دامی ارائه شده است.

جدول ۲. روند تولید و مصرف سرانه گوشت قرمز طی سالهای (۱۳۶۱-۱۳۸۱) در مقاطع ۵ ساله

شرح	۱۳۶۱	۱۳۶۶	۱۳۷۱	۱۳۷۶	۱۳۸۱
کل تولید گوشت قرمز (هزار تن)	۴۳۷	۵۱۵	۶۲۵	۷۲۰	۷۶۸/۶
مصرف سرانه (کیلوگرم)	۱۴/۴	۱۲/۷	۱۲/۰۵	۱۲/۷۱	۱۱/۹۸

مأخذ: معاونت امور دام وزارت جهاد کشاورزی

جدول ۳. جمعیت دام کشور بر حسب واحد دامی به تفکیک نوع دام طی سالهای مختلف

شرح	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۰	رشد سالانه (درصد)
گوسفند و بیره	۴۷۷۳۲	۵۱۴۴۹	۵۱۶۵۰	۰/۸
بز و بزغاله	۱۸۵۶۴	۱۹۳۱۸	۱۹۱۴۴	۰/۳
گاو و گوساله اصیل	۳۳۷۲/۵	۴۷۵۰	۶۱۷۵	۶/۲
گاو و گوساله دورگ	۴۵۶۳	۸۴۸۰	۱۴۴۰۴	۱۳/۲
گاو و گوساله بومی	۲۲۱۲۴	۲۰۴۹۲	۱۷۹۷۶	-۲
گاو میش	۱۹۸۲	۲۱۸۴	۲۴۳۱	۲/۱
شتر	۷۸۱	۷۸۶/۵	۸۰۳	۰/۳

بررسی مزیت نسبی ...

تک سمی ها	۶۹۱۸	۶۹۱۸	۷۷۷۲	۱/۱
جمع کل	۱۰۶۰۳۶	۱۱۴۴۱۶	۱۲۰۳۵۵	۱/۳

مأخذ: معاونت امور دام وزارت جهاد کشاورزی

چگونگی محاسبه مزیت نسبی گوشت قرمز (گوشت گاو و گوساله و گوسفند)

اطلاعات لازم برای انجام این تحقیق، از گزارشهای آماری معاونت امور دام وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، شرکت پشتیبانی امور دام کشور و سالنامه های بانک مرکزی جمع آوری شده است. آمار و اطلاعات مربوط به هزینه تولید محصولات دامی^۱ نیز از معاونت امور دام، شرکت پشتیبانی امور دام و اطلاعات مربوط به تجارت و تعرفه صادرات و واردات از سالنامه های گمرک ج.ا.ا. و بانک مرکزی و سایتهای اینترنتی جمع آوری شده است.

نتایج محاسبات مزیت نسبی محصولات دامی

نهاده های اصلی در تولید گوشت قرمز (گوسفند و گاو و گوساله) عبارت است از: دام زنده، علوفه و کنسانتره دامی (اعم از جو، یونجه، کاه گندم، سبوس، کنجاله)، سوخت و آب و برق، هزینه استهلاک تأسیسات و اموال منقول و غیر منقول، دارو و دامپزشکی، حمل و نقل، تعمیر و نگهداری و غیره. بخشی از این نهادها مانند نیروی کار و آب و زمین، نهادهای غیر قابل تجارت و برخی دیگر مانند دارو و علوفه و سوخت و حمل و نقل، نهادهای قابل تجارت محسوب می شوند. برای مثال از مجموع نهاده های مورد نیاز در تأمین گوشت گوسفند حدود ۷۸ درصد نهاده های قابل تجارت و ۲۲ درصد نهاده های غیر قابل تجارت محسوب می شود. برخی از نهادها (آب و برق و حمل و نقل) از جمله نهاده هایی است که ۷۰ درصدشان قابل تجارت و ۳۰ درصدشان غیر قابل تجارت است. همچنین نهاده هایی مانند سوخت، آب و برق، دارو و درمان و برخی از اقلام علوفه ای از جمله نهاده هایی هستند که دولت برای تأمین آنها یارانه می پردازد، لذا در صورت حذف یارانه هر یک از این نهادها نتایج مورد بررسی تغییر می کند. برای مثال نهادهای مانند دارو و سم و دامپزشکی از نهاده هایی است که دولت برای تأمین آن یارانه می پردازد. اگر یارانه پرداختی دولت به این نهاد قطع شود، بر قیمت آن حدود ۵۰ درصد افزوده می شود و سهم این نهاد در قیمت

1. Input - output

تمام شده محصول از حدود ۰/۴ درصد به ۰/۶ درصد افزایش می یابد که این امر در نهایت موجب کاهش سودبازاری می شود. به عبارت دیگر، با حذف یارانه نهاده دارو، سودبازاری تولیدکننده از ۲۲۲۰ ریال به ازای تولید هر کیلو دام زنده به ۲۱۹۰ ریال کاهش می یابد و ضریب حمایت از نهاده NPCI نیز از ۹۵ درصد به ۹۶ درصد می رسد.

۱. نتایج محاسبه مزیت نسبی برای گوشت گاو و گوساله

NPC برای گوشت گاو و گوساله در سال ۱۳۸۲ معادل ۱/۰۷ درصد است. یعنی دولت به صورت غیر مستقیم به تولیدکننده این نوع گوشت یارانه پرداخته و از تولید این محصول حمایت کرده است ($NPC < 1$).

NPCI برای گوشت گاو و گوساله معادل ۰/۹۶ است، یعنی دولت به نهاده های مورد استفاده در تولید این گوشت یارانه پرداخته است ($NPCI < 1$)؛ چراکه قیمت بازاری نهاده ها کمتر از قیمت سایه ای آنهاست.

EPC برای تولید گوشت یادشده معادل ۱/۴۶ و نشانه پرداخت یارانه به تولیدکنندگان این محصول است.

DRC گوشت مورد نظر معادل ۰/۹۵ است، بدین معنا که در استفاده از منابع داخلی جهت صرفه جویی ارزی یا به دست آوردن یک واحد ارز کارایی وجود دارد ($DRC < 1$). لذا با صرف ۹۵ واحد منابع داخلی، ۱۰۰ واحد صرفه جویی ارزی حاصل می شود. جدولهای ۴ و ۵ نتایج محاسبه شاخصهای پیشگفته را نشان می دهد.

۲. نتایج محاسبه مزیت نسبی برای گوشت گوسفند

گوشت گوسفند کشور به دلیل داشتن کیفیت بالا از تقاضای مناسبی در کشورهای حوزه خلیج فارس برخوردار است و مصرف کنندگان این محصول حاضر به پرداخت قیمت بالاتری نسبت به کالای مشابه خارجی اند.

بررسی مزیت نسبی ...

NPC برای گوشت گوسفند برابر ۱/۰۱ به دست آمد و نشان داد که دولت به صورت غیرمستقیم یارانه بسیار اندکی به تولیدکننده این محصول پرداخته است.

NPCI گوشت گوسفند معادل ۰/۹۵ به دست آمد و نمایان ساخت که دولت به نهاده‌های مورد استفاده در تولید این نوع گوشت یارانه پرداخته است، زیرا قیمت بازاری نهاده‌ها کمتر از قیمت سایه ای آنهاست.

EPC گوشت یادشده معادل ۱/۱۵ برآورد شد که در نتیجه می‌توان گفت برآیند دخالت‌های دولت در بازار نهاده‌ها و محصول به سود تولیدکننده این محصول بوده است.

DRC گوشت مورد نظر معادل ۰/۷۸ محاسبه شد، بنابراین نتیجه می‌گیریم که در استفاده از منابع داخلی جهت صرفه جویی ارزی یا به دست آوردن یک واحد ارز کارایی وجود دارد. به عبارتی، با صرف ۷۸ واحد از منابع داخلی برای تولید محصول مذکور، ۱۰۰ واحد صرفه جویی ارزی حاصل می‌شود. جدول‌های ۴ و ۵ نتایج محاسبه شاخصهای پیشگفته را نشان می‌دهد.

جدول ۴ و ۵

تحلیل حساسیت شاخصهای حمایتی و مزیت نسبی

در این مطالعه سود بازاری یک واحد ۵۰۰ رأسی پرورش گوسفند پرواری برای یک دوره پروار حدود ۴۳۸۲۴۹۴۰ ریال و سود اجتماعی این واحد تولیدی ۲۱۲۶۸۱۱۰ ریال برآورد شده است. به عبارتی سود تولیدکننده و سود اجتماعی حاصل از این فعالیت به ازای هر کیلو دام زنده به ترتیب حدود ۲۲۲۰ ریال و ۱۰۸۰ ریال است (جدول ۵). در این واحد تولیدی سود اجتماعی حدود ۵۰ درصد سود بازاری است. همچنین سود بازاری یک واحد پرورش گاو گوشتی ۱۰۰ رأسی در هر دوره پروار حدود ۶۹۷۱۹۰۰۰ ریال و سود تولیدکننده و سود اجتماعی حاصل از این فعالیت به ازای هر کیلو گرم دام زنده به ترتیب ۱۸۴۰ ریال و ۱۶۰ ریال برآورد شده است (جدول ۵). به عبارتی سود اجتماعی حدود ۱۵ درصد سود بازاری است. این نسبت به نوعی میزان حمایت دولت از تولید را نشان می دهد. هر چه میزان سود بازاری از سود اجتماعی بیشتر باشد از تولید حمایت بیشتری صورت می گیرد. بررسی شاخص هزینه منابع داخلی برای گوشت گوسفند و گاو و گوساله نشان می دهد که این شاخص برای گوشت گوسفند پرواری ۰/۷۸ و برای گوشت گاو و گوساله ۰/۹۵ است (جدول ۵). به هر میزان که شاخص DRC برای محصول کوچکتر از ۱ باشد تولید آن محصول در کشور مزیت نسبی بیشتری دارد. در این بررسی تولید گوشت گوسفند نسبت به گوشت گاو دارای مزیت نسبی بیشتری است. برخورداری یک محصول خاص از مزیت نسبی در یک مطالعه موردی، به معنای مطمئن عمل کردن کشور نسبت به ادامه وضعیت تولید آن محصول برای سالهای آینده نیست، چرا که نتایج فوق فقط بر پایه اطلاعات سال مشخصی حاصل شده است و هر گونه تغییر و نوسان در متغیرهای اصلی و تأثیرگذار (مانند نرخ ارز، قیمت‌های جهانی محصول، هزینه های تولید محصول و...) در شاخصهای حمایتی و مزیت نسبی و در نتیجه در DRC تأثیر گذار خواهد بود.

به این منظور با فرض ثابت بودن سایر شرایط و متغیرها، آثار تغییرات متغیرهای اصلی مانند قیمت‌های جهانی نرخ ارز و ضریب تبدیل بر هر یک از شاخصهای اصلی (DRC, NPCI, NPC, EPC) بررسی و حساسیت هر یک از شاخصها اندازه گیری شده است. جدولهای ۶ و ۷ نشان می دهد که به ازای هر یک درصد افزایش در قیمت نرخ ارز شاخص DRC حدود ۵/۱ درصد

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

کاهش می‌یابد. به عبارتی این شاخص از ۰/۷۸ به ۰/۷۴ خواهد رسید که این امر بیانگر افزایش مزیت نسبی برای تولید محصول است. اثر تغییرات این متغیر بر شاخص NPC, NPCI برای محصول مورد مطالعه بسیار جزئی است، اما سود اجتماعی حاصل از هر کیلوگرم محصول تولید شده بر اثر این تغییر از ۱۰۸۰ ریال به ۱۲۹۰ ریال افزایش می‌یابد. تأثیر یک درصد افزایش در قیمت‌های بین‌المللی محصول و اثر یک درصد افزایش ضریب تولید گوشت گوسفند بر هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه در جدول‌های ۶ و ۷ مشاهده می‌شود. برخورداری از مدیریت علمی در مزرعه و افزایش بهره‌وری از طریق کاهش هزینه‌های تولید اثرانکارناپذیری بر مزیت نسبی این محصول دارد. به عنوان مثال در مطالعه حاضر ضریب تبدیل علوفه به دام زنده حدود ۹/۲ کیلوگرم است. اگر مدیریت مزرعه بتواند ضریب تبدیل را فقط با یک درصد کاهش از ۹/۲ کیلوگرم به ۹/۱۱ کیلوگرم برساند آنگاه سود بازاری از ۲۲۲۰ ریال به ۲۲۶۷ ریال و سود اجتماعی از ۱۰۸۰ ریال به ۱۱۳۵ ریال به ازای هر کیلوگرم دام زنده افزایش می‌یابد. به عبارتی به ازای یک درصد بهبود در ضریب تبدیل علوفه به دام زنده، سود بازاری حدود ۱/۸ درصد و سود اجتماعی حدود ۴/۶ درصد افزایش می‌یابد. مطالعات مختلف نیز نشان می‌دهد که مدیریت کارآمد در مزرعه می‌تواند با اقدامات بسیار معمولی و طی یک فرایند زمانی برنامه‌ریزی شده، ضمن کاهش میزان ضایعات علوفه، ضریب تبدیل را حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش دهد که آثار این اقدام در مزیت نسبی گوشت بسیار چشمگیر خواهد بود.

جدول ۶. تحلیل حساسیت شاخصها برای گوشت گوسفند در سال ۱۳۸۲

سود هر کیلوگرم محصول (ریال)	سود بازاری	شاخصها				شرح
		EPC	NPCI	NPC	DRC	
۱۰۸۰	۲۲۲۰	۱/۱۵	۰/۹۵	۱/۰۱	۰/۷۸	وضعیت موجود
۱۲۹۰	۲۲۲۰	۱/۱۱	۰/۹۵	۱/۰۰	۰/۷۴	یک درصد افزایش نرخ ارز
۱۳۱۰	۲۲۲۰	۱/۱۰	۰/۹۵	۱/۰۰	۰/۷۴	یک درصد افزایش قیمت جهانی محصول
۱۱۳۰	۲۲۶۰	۱/۱۵	۰/۹۵	۱/۰۱	۰/۷۷	یک درصد افزایش در ضریب تبدیل

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بررسی مزیت نسبی ...

جدول ۲. درصد تغییرات شاخصها در صورت تغییرات متغیرهای اصلی برای گوشت گوسفند

در سال ۱۳۸۲

سود هر کیلوگرم محصول (درصد)	شاخصها					شرح
	سود بازاری	EPC	NPCI	NPC	DRC	
۱۰۸۰	۲۲۲۰	۱/۱۵	۰/۹۵	۱/۰۱	۰/۷۸	وضعیت موجود
۱۹/۴	۰	-۳/۵	۰		-۵/۱	یک درصد افزایش نرخ ارز
۲۱/۳	۰	-۴/۳	۰	-۱	-۵/۱	یک درصد افزایش قیمت جهانی محصول
۴/۶	۱/۸	۰	۰	۰	-۱/۳	یک درصد افزایش در ضریب تبدیل

مأخذ: یافته های تحقیق

در جدولهای ۸ و ۹ نتایج تحلیل حساسیت شاخصها برای تولید گوشت گاو و گوساله ارائه شده است. محاسبات نشان می دهد که به ازای هر یک درصد افزایش در قیمت نرخ ارز ، شاخص DRC حدود ۴/۲ درصد کاهش می یابد. به عبارتی این شاخص از ۰/۹۵ به ۰/۹۱ می رسد که این امر مبین افزایش مزیت نسبی برای آن محصول است. همچنین در صورت یک درصد افزایش قیمت های بین المللی، DRC از ۰/۹۵ به ۰/۹۱ می رسد و سود اجتماعی حاصل از تولید یک کیلوگرم گوشت گاو از ۱۶۰ ریال به ۲۸۰ ریال افزایش می یابد. باید متذکر شد که قیمت های جهانی اساس محاسبه ارزش گذاری اجتماعی و تحلیل کارایی نظام تولیدی محصول به شمار می آید، ولی قیمت های مورد مبادله در بازارهای بین المللی برای محصولات کشاورزی عمدتاً قیمت غیر واقعی است؛ زیرا اکثر کشورها به منظور حمایت از بخش تولید و افزایش درآمد کشاورزان، حفظ اشتغال و توزیع بهینه درآمد و حضور گسترده در بازارهای جهانی با به کارگیری ابزارهای مختلف حمایتی از جمله یارانه صادراتی، موجب انحراف از قیمت واقعی محصول تولیدی می شوند. لذا در محاسبه مزیت نسبی و تحلیل آثار و نتایج آن باید به انحرافات موجود در قیمت های جهانی توجه کرد. با آگاهی از این موضوع و با توجه به قیمت های غیر واقعی محصولات در بازارهای جهانی، هنوز کشور ما در تولید گوشت قرمز مزیت نسبی دارد. حفظ و استمرار این مزیت در گروهی افزایش بازده تولید و کاهش هزینه ها و ارتقای بهره وری است.

جدول ۸. تحلیل حساسیت شاخصها برای گوشت گاو و گوساله در سال ۱۳۸۲

سود هر کیلوگرم محصول (ریال)		شاخصها				شرح
سود اجتماعی	سود بازاری	EPC	NPCI	NPC	DRC	
۱۶۰	۱۸۴۰	۱/۴۶	۰/۹۶	۱/۰۷	۰/۹۵	وضعیت موجود
۲۹۰	۱۸۴۰	۱/۴۶	۰/۹۶	۱/۰۶	۰/۹۱	یک درصد افزایش نرخ ارز
۲۸۰	۱۸۴۰	۱/۴۰	۰/۹۶	۱/۰۶	۰/۹۱	یک درصد افزایش قیمت جهانی محصول
۲۰۰	۱۸۷۰	۱/۴۶	۰/۹۶	۱/۰۷	۰/۹۳	یک درصد افزایش در ضریب تبدیل

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول ۹. درصد تغییرات شاخصها در صورت تغییرات متغیرهای اصلی برای تولید گوشت

گاو و گوساله در سال ۱۳۸۲

سود هر کیلوگرم محصول (ریال)		شاخصها				شرح
سود اجتماعی	سود بازاری	EPC	NPCI	NPC	DRC	
۱۶۰	۱۸۴۰	۱/۴۶	۰/۹۶	۱/۰۷	۰/۹۵	وضعیت موجود
۸۱/۳	۰	۰	۰	-۰/۹	-۴/۲	یک درصد افزایش نرخ ارز
۷۵	۰	-۴/۱	۰	-۰/۵	-۴/۲	یک درصد افزایش قیمت جهانی محصول
۲۵	۱/۶	۰	۰	-۱/۰	-۲/۱	یک درصد افزایش در ضریب تبدیل

مأخذ: یافته های تحقیق

پیشنهادها

۱. نتایج شاخصهای حمایتی نشان داد که حمایت از تولید گوشت قرمز در مقایسه با سایر محصولات کشاورزی، از جمله گوشت مرغ و تخم مرغ، به میزان کمتری صورت می گیرد. بر اساس بررسی صورت گرفته، ضریب حمایت مؤثر از گوشت گوسفند ۱۵ درصد و از گوشت مرغ

بررسی مزیت نسبی ...

۴۵ درصد است. لذا به منظور حفظ مزیت نسبی و استمرار آن پیشنهاد می شود این گونه حمایتها از تولید گوشت قرمز افزایش یابد.

۲. ثابت نگهداشتن نرخ ارز با وجود افزایش هزینه‌های داخلی میل به واردات را می‌افزاید و به مرور زمان موجب از دست رفتن مزیت نسبی تولید محصولات می‌شود. لذا پیشنهاد می‌گردد نرخ ارز در بازار رقابتی تعیین شود.

۳. تحلیل حساسیت هر یک از شاخصها نسبت به تغییرات متغیرهای اصلی در تولید گوشت قرمز نشان می‌دهد که این شاخصها نسبت به تغییرات نرخ ارز و قیمت‌های جهانی حساسیت بیشتری دارد. همچنین در صورت کاهش قیمت‌های جهانی، کاهش نرخ ارز یا افزایش ضریب تبدیل، مزیت نسبی برای تولید این فراورده کاهش خواهد یافت. لذا سیاستگذاران بخش تولید باید با اتخاذ تدابیر و سازوکارهای مناسب از طریق انتقال فناوری، ارتقای دانش فنی مدیریت مزرعه موجبات کاهش ضریب تبدیل و افزایش بهره‌وری را فراهم کنند؛ زیرا در این صورت رشد بهره‌وری عوامل تولید موجب اقتصادی شدن فعالیت تولید، توزیع بهینه درآمد، تخصیص مناسب منابع و افزایش مزیت نسبی می‌شود.

منابع

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)، نماگرهای اقتصادی، سه ماهه دوم ۱۳۸۳،

شماره ۳۰.

۲. جولایی، ر. (۱۳۸۳)، مدیریت الگوی کشت محصولات زراعی سه شهرستان مرکزی استان

فارس در یک مدل چند منطقه‌ای، رساله دکتری اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه

تربیت مدرس.

۳. دهقانی، ع. (۱۳۷۹)، بررسی مزیت نسبی محصولات کشاورزی منتخب، مؤسسه پژوهشهای

برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی.

- ۴.قنبری، م.(۱۳۸۱)، ارزیابی اقتصادی کشت و تولید میوه کیوی در ایران و بررسی توان صادراتی آن، وزارت جهاد کشاورزی مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- ۵.گمرک ایران (۱۳۸۲)، قانون مقررات صادرات و واردات.
- ۶.گمرک ایران (۱۳۶-۱۳۸۲)، سالنامه آماری بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران.
- ۷.موسایی، م.(۱۳۸۲)، بررسی اقتصادی کلزا از تولید تا مصرف، وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۸. وزارت جهاد کشاورزی ، شرکت پشتیبانی امور دام (۱۳۸۲)، آمار تولید، مصرف و میانگین قیمت برخی از فرآورده‌ها و نهاده‌های دام و طیور ۱۳۷۱-۱۳۸۲.

9. Anonymous (2001), Policy analysis study: Egypt. Comparative advantage and competitiveness of major crops. Food and Agriculture Organization of the United Nation.

10. Huang, J., J., Song, F. Qiao, and O. Fuglie (2003), Sweetpotato in China: Economic aspect and utilization in pig production. International Potato Center (IPC), Bogor, Indonesia.

11. Monke, E. and S. Pearson (1989), The policy analysis matrix for agricultural development, Ithaca. NY: Cornell University press.

12. Mohanty, S., Ch. Fang And J. Chaundhary (2002), Assessing the competitiveness of Indian cotton production: A policy analysis matrix approach, Center of Agriculture and Rural Development, Iowa state university Working paper, 02 wp301.